



معرفی و نقد کتاب اصول دستور زبان

فریده حق‌بین (دانشگاه الزهراء (س))

اصول دستور زبان، ارسلان گل‌فام، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران ۱۳۸۵، ۱۷۱- (هفت + ۱۶۴) صفحه.

اصول دستور زبان نام کتابی است از دکتر ارسلان گل‌فام، که در سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات سمت، منتشر گردید. همان‌طور که ناشر در بخش آغازین کتاب تصریح کرده، این اثر به‌عنوان منبع اصلی درس پیش‌نیاز (کمبود) اصول دستور زبان در ۱۶۴ صفحه تدوین شده است. کتاب مشتمل بر هفت فصل، همراه با فهرست منابع و مآخذ و واژه‌نامه توصیفی فارسی-انگلیسی است.

رویکرد نظری نویسنده، نظریه صورت‌گرا، به‌ویژه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی است، لیکن در بخش‌هایی از کتاب، از روشن‌توصیفی برای تبیین ویژگی‌های دستوری زبان فارسی استفاده شده است.

شیوه نگارش نویسنده بسیار روان است و به‌درستی از سبکی علمی تبعیت کرده که عاری از پیچیدگی‌های مخلی است که بر درک، تأثیر نامطلوب می‌گذارد (حق‌شناس ۱۳۸۲: ۲۲۷-۲۴۴ و ۲۴۵-۲۵۴)، به‌طوری‌که هر خواننده کم‌آشنا و حتی ناآشنا با اصول دستور زبان، مطالب آن را درک می‌کند. اما قبل از پرداختن به محتوای فصول، نکته‌ای در شیوه فهرست‌بندی عناوین، در بخش فهرست مطالب و شماره‌گذاری عناوین بخش‌ها وجود دارد که توجه به آن لازم می‌نماید. از آنجا که رسم‌الخط زبان فارسی از راست به چپ می‌باشد، شیوه مرسوم آن است که شماره فصل در انتها الیه سمت راست، و شماره

عناوین از اصلی به فرعی، به دنبال شماره فصول داده شود؛ به عنوان مثال، بحث نقش فاعلی در فصل سوم که در قسمت هفتم از عناوین فرعی و اولین بحث در آن قسمت از فصل یاد شده است، به صورت (۱-۷-۳ نقش فاعلی) آمده است که توالی شماره‌ها معکوس به نظر می‌رسد؛ در حالی که آرایش متداول به صورت ۳-۷-۱- نقش فاعلی می‌بایست باشد.

در فصل اول کتاب، که خود مشتمل بر سه بخش است، ابتدا ویژگی‌های دستورهای سنتی مطرح شده، پس از آن، این دستورها نقد شده‌اند. گلفام، به تاسی از نظریه پردازان زایشی، دستور زبان را همان توانش زبانی معرفی می‌کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت این کتاب حاوی اصول حاکم بر توانش زبانی است. نویسنده، در ادامه بر جهانی بودن نظریه دستور زبان تأکید می‌کند.

• توجه زبان‌شناسان، به نظریه پردازی و به دست دادن امکان تبیین داده‌های همه زبان‌های بشری معطوف است و نه ویژگی‌های یک زبان خاص. شایسته تر آن بود که در این کتاب، اصول، مفاهیم و اصطلاحات، با رویکردی رده‌شناختی مطرح می‌شد تا دانشجویان از رهگذر مطالعه این مفاهیم، در هنگام مواجهه با پدیده‌های یاد شده در متون مختلف، با این مفاهیم آشنا نباشند؛ مفاهیمی مانند میانه^۲ و ضد مجهول^۳ که همراه با مجهول، معلوم و کاربرد، ذیل عنوان «جهت» می‌بایست مطرح شوند. همچنین مفاهیم سببی، ضد سببی^۴، نامفعولی^۵ و ناکنشی^۶ که زیر عنوان گذرایی^۷ تعدی، در کتاب‌هایی از این دست مطرح می‌شوند. (Palmer, 1984 & 1994; Payne 2006).

از ویژگی‌های ستودنی این کتاب، اهتمام نویسنده برای ارائه مثال‌های فارسی در ذیل هر مطلب است. در خصوص مفاهیم پیشنهادی این نگارنده برای توصیف نیز می‌توان تا حد ممکن از نمونه‌های فارسی مدد جست؛ در غیر این صورت، استفاده از مثال‌های سایر زبان‌ها نیز امکان‌پذیر و آموزنده است.

فصل دوم، با عنوان نقش‌های دستوری، به توصیف نهاد و گزاره، مفعول مستقیم و غیر مستقیم و افزوده‌ها اختصاص دارد. گلفام بر این عقیده است که استفاده از

۱. این همان انتظاری است که دانشجویان از مطالعه این کتاب و آن درس دارند.

2. middle

3. anti-passive

4. anti-causative

5. unaccusative

6. unergative

7. transitivity

اصطلاحات فاعل و فعل، به دلیل اینکه معنابنیاد است، چندان مطلوب نیست؛ لذا او از اصطلاحات نهاد و گزاره استفاده می‌کند، زیرا تعاریف ساختاری، در مقایسه با تعاریف مبتنی بر معنا، دارای دقت اصطلاح‌شناختی بیشتری است و از عمومیت بیشتری برخوردار است. او در ادامه از نقش‌های دستوری دیگری با نام مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم یاد می‌کند. صادقی و ارژنگ (۱۳۵۶: ۱۲-۵) و نائل خانلری (۱۳۶۴) نیز با توصیف‌ها و تعریف‌های معنایی، از اصطلاحات نهاد و گزاره استفاده کرده‌اند؛ درحالی‌که احتمال دارد گلفام به دلیل رویکرد نظری‌اش، به جای استفاده از اصطلاحات مزبور، از اصطلاحاتی همچون گروه اسمی - جمله، گروه فعلی - جمله، مشخصگر - گروه تصریف و هسته گروه فعلی، و به جای مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم از متمم فعل و متمم حرف اضافه استفاده کرده‌است. شایان ذکر است که آنچه وی تحت عنوان نقش دستوری مطرح کرده‌است در ادبیات زبان‌شناسی با عنوان «روابط دستوری»^۸ مطرح است. (Palmer 1994: 14; Payne 2006: 121; Matthews 1997: 152; Tallerman 1998: 169-173; Perlmutter 1983)

یکی از روش‌هایی که نویسنده در این فصل برای نشان دادن سازه‌ها از آن سود جسته‌است و اخیراً در برخی کتاب‌ها که درباره توصیف ساخت زبان فارسی نگاشته شده مورد استفاده قرار گرفته است،^۹ آزمون‌های سازه‌شناسی جایگزینی ضمیر، جایگزینی، جابه‌جایی و همپایگی است که در برخی آثار مانند: ردفورد & Radford (1988) و با اندکی تغییر در ردفورد (2004) مطرح شده‌است. این روش‌ها برای تقطیع مناسب و شناسایی مرز واحدها کارآمد است و در نمونه‌هایی که نویسنده از زبان فارسی به دست داده به خوبی قابل مشاهده است.

در صفحه ۲۰ کتاب، نویسنده پس از معرفی مفعول مستقیم به عنوان یکی از سازه‌های درونی گزاره و بیان ویژگی‌های مفعول مستقیم، به ضروری بودن این سازه و غیر قابل حذف بودن آن اشاره می‌کند و با ارائه مثال‌های (۱- الف، ب و ج)، به عنوان نمونه‌هایی که نادرستی‌اند و نادرستی بودنشان به دلیل عدم وجود یا حذف مفعول مستقیم است، ویژگی نیازمند بودن فعل‌های متعدی به مفعول مستقیم را تبیین می‌کند و دستوری بودن

8. grammatical relations

۹. از جمله این کتاب‌هاست: ساخت زبان فارسی، خسرو غلامعلی‌زاده (۱۳۸۰)، انتشارات احیاء کتاب، ص ۱۳-۱۸؛ ساخت زبان فارسی، احمد ابومحیوب (۱۳۸۱)، نشر میترا، ص ۸۳-۸۶.

و بی‌نیازی فعل‌های لازم به مفعول مستقیم را با مثال‌های (۲- الف، ب و ج) نشان می‌دهد.

۱۰- الف: *حسن پاره کرد.

ب: *بانگ بر داشت.

ج: *قره‌داد پس داد.

۲- الف: علی رفت.

ب: برافز بزرگ حسن درگذشت.

ج: مریم ترسید.

گلفام (ص ۲۲۰) بدون ارائه ملاک یا ملاک‌هایی مشخص، بیان می‌کند که متعدی بودن پدیده‌ای پیوستاری است؛ آن‌گاه با ارائه نمودار (ی-خطی) فعل کشتن را در یک سوی پیوستار، که تجلّی متعدی بودن است، و فعل رفتن را در سوی دیگر، که بیانگر لازم بودن است، و خوردن / خواندن را در میانه پیوستار، به عنوان نمونه‌ای که در حد میانی لازم بودن و متعدی بودن واقع است، قرار می‌دهد. وی معتقد است افعالی مانند خواندن و خوردن عملکردی دوگانه دارند و در جمله‌های (۳-ب) و (۴-ب) معنای دژس و غذا-که در جمله‌های (۳-الف) و (۴-الف) وجود دارد ولی در (۳-ب) و (۴-ب) محذوف است نهفته است.

۳- الف: علی درس می‌خواند.

ب: علی می‌خواند.

۴- الف: مریم غذا می‌خورد.

ب: مریم می‌خورد.

نگارنده معتقد است به همان اندازه که جمله‌های (۱-الف -ج) به دلیل فقدان مفعول صریح نادرستوری‌اند، جمله‌های (۳-ب و ۴-ب) نیز، به همان دلیل، نادرستوری‌اند. در واقع، وجه تمایز جمله‌های (۱-الف -ج) و (۳ و ۴) در این است که جمله‌های (۱-الف -ج) جمله‌هایی با فعل متعدی (دو جایگاهی) به صورت ماضی هستند که مفعول صریح در آنها حذف شده است، در حالی که جمله‌های (۳ و ۴) دارای فعل متعدی به صورت زمان حال / مضارع هستند که جمله‌های (الف)، با حذف «را» تبدیل به جمله‌هایی شده‌اند که متمم فعلی آنها صورت عام یافته است و به تعبیری، دستخوش فرایند انضمام

شده‌اند (دبیرمقدم ۱۳۷۶). یکسانی دو گروه جمله فوق را می‌توان در مثال‌های (۵ و ۶) مشاهده کرد.

۵- الف: مریم غذا را خورد/ می‌خورد.

ب: مریم غذا خورد/ می‌خورد.

ج: * مریم خورد/ می‌خورد.

۶- الف: حسن کتاب را پاره کرد/ می‌کند.

ب: حسن کتاب پاره کرد/ می‌کند.

ج: * حسن پاره کرد/ می‌کند.

از این رو، نگارنده معتقد است پیوستاری بودن مفهوم تعدی به عواملی فراتر از وجود یا فقدان مفعول مستقیم، چه به صورت عام (انضمام یافته - بدون را) و چه به صورت خاص (متعدی - یا وجود را) بستگی دارد. هاپر و تامپسون (Hopper and Thompson 1980) در یک مطالعه رده‌شناختی، یازده ملاک را برای متعدی بودن برشمرده‌اند. صرف‌نظر از برخی نقاط ضعف نظریه آنان، باید اعتراف کرد که ملاک‌های ایشان، پیوستاری بودن مفهوم تعدی را به خوبی نشان می‌دهد.

افزوده‌ها، عنوان آخرین بخش از فصل دوم است. در صفحه ۲۵ چنین آمده است: «افزوده‌ها در بردارنده اطلاعات اضافی و جاشیه‌ای‌اند و حذف آنها خلیلی در ساختار جمله وارد نمی‌کند». نویسنده، در همان صفحه بیان می‌دارد که برای پی بردن به سازه‌ای که نقش افزوده دارد، می‌توان از پرسش‌های یکی، کجا، چطور و چگونه استفاده کرد و پاسخ مورد نظر در هر جمله، همان نقش دستوری افزوده خواهد بود، مانند:

۷- الف: فرهاد را در دانشکده دیدم.

ب: فرهاد را کجا دیدی؟

ج: در دانشکده.

حال سؤال این است که در جمله (۸) گروه حرف‌افزافه‌ای «در تهران»، افزوده است یا موضوع؟

۸. فرهاد در تهران اقامت دارد.

ملاحظه می‌شود که اگر گروه حرف‌افزافه‌ای در تهران، از جمله (۸) حذف شود جمله ناقص شده، ساختار آن دچار خلل می‌شود. بنابراین، بر طبق تعریف فوق، گروه

حرف اضافه‌ای در تهران افزوده نخواهد بود؛ در حالی که در یک ساختار پرسشی امکان جایگزینی با پرسش‌واژه کجا را دارد و با این تعبیر، یک افزوده خواهد بود.

۹- الف: فرهاد کجا اقامت دارد؟

ب: در تهران.

با توجه به مبحث فوق، به نظر می‌رسد سازه‌هایی وجود دارند که در فضایی مابین موضوع و افزوده قرار می‌گیرند. در واقع، اینها نیز می‌توانند پیوستاری را تشکیل دهند که در یک سو موضوع‌ها، و در سوی دیگر افزوده‌ها، و در فضای مابین آنها موضوع‌واره‌ها^{۱۰} قرار می‌گیرند.

فصل سوم، با عنوان «صورت‌های دستوری»، به ارائه تعریف مفهوم واژه و ساختواژه و همچنین اجزاء کلام اختصاص دارد. در این فصل، گلفام ضمن نقد ارائه تعریف مفهومی و مبتنی بر معنا، با تکیه بر ملاک‌های ساختاری و توزیعی، کوشش می‌کند اجزاء کلام را مانند: اسم، صفت، فعل، حرف اضافه، قید، حرف ربط و شبه جمله، تبیین کند. گرچه رویکرد عمومی کتاب مبتنی بر نظریه صورت‌گرایی زایشی است، در این بخش نویسنده با استفاده از روش‌های غیرزایشی، چهار وجه موجود در زبان فارسی را، یعنی وجه‌های خبری، پرسشی، امری و تعجبی، معرفی می‌کند. وی در مورد ویژگی این وجوه به آرایش بنیادین آنها اشاره می‌کند، اما در مورد آهنگ کلام - که از مشخصه‌های متمیز در مورد برخی وجوه در زبان فارسی است - تنها به آهنگ خیزان جملات پرسشی اشاره می‌کند؛ ضمن اینکه به وجه التزامی اشاره‌ای نشده است. گلفام، گهگاه با ارائه مثال‌هایی از زبان انگلیسی نیز تلویحاً نظر خود را مبنی بر بلا مانع بودن و حتی پسندیده بودن ارائه مباحث و اصطلاحات اصول دستور زبان، بر اساس نگرش رده‌شناختی، نشان می‌دهد. نگارنده معتقد است اتخاذ رویکرد رده‌شناختی در تبیین مبانی دستور زبان، برای دانشجویانی که در ابتدای راه برای فراگرفتن اصول زبان‌شناسی هستند، می‌تواند چندین گام بلند آنها را در فهم مسائل زبان‌شناختی یاری کند و استفاده از منابع در دسترس همچون گیون (1984)، کرافت (1990)، پالمر (1994)، ماهوتیان (1383) و ده‌ها منبع و مأخذ دیگر در این خصوص راه‌گشا است. در خاتمه این فصل، که با توجه به عنوان

10. quasi-argument

آن می‌بایست تماماً به «صورت» اختصاص داشته باشد، شاید بیش از سایر فصول، به «نقش» پرداخته شده است. در پایان این فصل، «کارکرد جمله‌ها» و پس از آن، ارتباط بین صورت و نقش، نقش فاعلی، نقش مفعولی / مفعول مستقیم، نقش مفعولی / مفعول غیرمستقیم مطرح شده است. در پایان نیز مطالب مختصری دربارهٔ صورت‌گرایی و نقش‌گرایی آمده است. شاید اختصاص یک فصل مجزا به تبیین نقش‌ها و دیدگاه‌های مکاتب صورت‌گرا و نقش‌گرا، به انسجام درون‌متنی کمک بیشتری می‌کرد تا طرح مباحث نقشی در فصلی که نام «صورت» بر آن نهاده شده است.

در فصل چهارم، با عنوان «روابط دستوری»، نقش‌های معنایی^{۱۱} (به تعبیر متیو، MATTHEWS 1997: 334)، یا نقش‌های دستوری^{۱۲} (به تعبیر پالمر، PALMER 1994: 8-11) و یا نقش‌های تئابی^{۱۳} (به تعبیر سعید، SAEED 1997: 145-157 و کلیهٔ زبان‌شناسان زایشی) مورد بحث قرار گرفته است. اما، در خلال مباحث یادشده، به ساختار مضمونی و مقولات دستوری شمار، زمان، جنس، نمود و حالت، که در رویکردهای اخیر زایشی ذیل موضوع مطایقه مطرح هستند، اشاراتی شده است. تبیین الگوهای مختلف زبانی و طبقه‌بندی رده‌شناختی زبان‌ها در دو گروه فاعلی - مفعولی و ارگاتیو - مطلق در این فصل، از نقاط قوت این کتاب است.

یکی از نقاط ضعف این اثر - که در این فصل نیز همچون سراسر کتاب جلب توجه می‌کند - نقصان ارجاعات مناسب است. به عنوان مثال، در صفحه ۵۹ کتاب، «شیوهٔ تحلیل صوری معنای جمله‌ها به پیروی از منطق محمول‌ها، با تغییر در فرمول‌بندی معنایی، جهت ارائهٔ صحیح تعداد و شأن مقوله‌ای موضوعات»، و در صفحه ۶۴ «وانهادن مسئولیت محدودیت‌های گزینشی در نظریهٔ زبانی به نقش‌های معنایی»، بدون ذکر مأخذ این اطلاعات، مورد بحث قرار گرفته است. همچنین، در صفحه ۶۴ در خصوص مقولهٔ شمار، مطلبی به نقل از پالمر (PALMER)، بدون ذکر سال نشر و شمارهٔ صفحه آمده است. مجدداً یادآور می‌شود، این ضعف در سراسر کتاب به چشم می‌خورد.

فصل پنجم و هفتم، بیش از سایر فصول، نگرش‌های زایشی را در تدوین کتاب نشان می‌دهند. مؤلف در فصل پنجم، ساخت سازه‌های جمله‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی ابتدا با ارائهٔ نمونه‌های مختلف در قالب نمودارهای درختی، روابط ساختاری و

سلسله مراتبی را که بین سازه‌ها وجود دارد تبیین می‌کند، آنگاه به تشریح این روابط در چارچوب نحو ایکس - تیره می‌پردازد. بیان دو نکته در مورد این فصل ضروری می‌نماید: نخست، فقدان ارجاع به منابع مورد استفاده، و دوم، استفاده از معادل‌های نامأنوس برای اصطلاحات فنی؛ در حالی که معادل‌های شفاف و آشنا در برخی کتاب‌های معتبر - که آشنای ذهن دانشجویان و محققان است - وجود دارد.^{۱۴} معادل‌هایی مانند: چیرگی، به جای تسلط، سیطره و اشراف، با ذکر این نکته که چیرگی از لحاظ معنایی تداعی‌کننده غلبه یک جبهه بر دیگری در میدان مبارزه است؛ و یا چیرگی آبی که تداعی‌کننده پیروزی‌ای فوری و زودهنگام است. در حالی که واژه «بلافضل معادل بهتری برای تسلط سازه‌ای مکانی و موقعیتی در ساخت سلسله‌مراتبی نمودار درختی است؛ زیرا واژه آبی بیانگر موقعیت زمانی می‌باشد.

همچنین مقاله چامسکی (با عنوان Remarks on Nominalization) که در اکثر آثار نام‌آشنا^{۱۵} به صورت «نکاتی پیرامون فرایند اسم‌سازی» ترجمه شده، نویسنده آن را به «جستارهایی در نام‌گردانی» ترجمه کرده است.

مؤلف، در جهت تبیین نحو ایکس - تیره، از نمونه‌هایی از زبان فارسی و انگلیسی استفاده کرده است. از آنجا که آرایش سازه‌ها در شکل ساختار سازه‌ها در نحو ایکس - تیره اهمیت بسزایی دارد، به این معنی که ترسیم نمودارها از لحاظ راست‌هستگی یا چپ‌هستگی برای دانشجویان فارسی زبان مشکل‌ساز است، بهتر بود با توجه به اختلاط آرایش سازه‌ها^{۱۶} در زبان فارسی، نمونه‌ای از گروه‌هایی که متمم آنها بر هسته تقدم دارد، جهت آموزش وضعیت نمودارها، ترسیم می‌شد. این در حالی است که در انتهای همین فصل، درباره حرکت و جایگاه فرود پرسش‌واژه‌ها در زبان انگلیسی بحث شده است، اما درباره حرکت و جایگاه فرود و یا چگونگی «در جا بودن» پرسش‌واژه در زبان فارسی - جز اشاره‌ای در صفحه ۴۸ - بحث نشده است.

فصل ششم کتاب به جهانی‌های زبان پرداخته است. عنوان جهانی‌های زبانی همواره نام دو زبان‌شناس را به ذهن متبادر می‌سازد: چامسکی و گرینبرگ. مؤلف در این فصل به بررسی تفاوت در دیدگاه چامسکی و گرینبرگ پرداخته است. او تفاوت رویکرد این دو را

۱۴. به عنوان نمونه: دبیرمقدم (۱۳۸۳) و درزی (۱۳۸۴).

۱۵. آثار ذکر شده در پانویس (۱۴).

در سه محور خلاصه می‌کند: ۱. دامنه. و تعداد زبان‌ها برای کشف جهانی‌ها؛ ۲. میزان انتزاعی بودن تحلیل زبان برای رسیدن به جهانی‌ها؛ ۳. چگونگی تبیین جهانی‌ها. وی پس از این به توصیف جهانی‌های صوری و بنیادی از نگاه چامسکی پرداخته، همچنین جهانی‌های مطلق و نسبی و جهانی‌های تلویحی گربنبرگ را مورد بحث قرار داده است. نویسنده، پس از اشاره به مواردی از مطالعات رده‌شناختی که برخی از پدیده‌های زبانی را در شمار وسیعی از زبان‌ها بررسی کرده‌اند، به تصویرگویی و تبیین انواع نشانه پرداخته، سپس به ارتباط تصویرگونه ساختارهای دستوری و مفاهیم و نقش‌های آنها اشاره می‌کند.

واپسین فصل کتاب به تشریح سه نظریه در چارچوب مکتب صورت‌گرا اختصاص دارد: دستور رابطه‌ای، دستور واژگی-نقشی، و نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی. از آنجا که در سرفصل و عناوین درسی رشته‌ای که این کتاب به عنوان منبع برای آن نگاشته شده است، دروس دیگری نیز برای پرداختن به مطالب فصل هفتم وجود دارد (مانند: دستور گشتاری، شیوه استدلال نحوی و مکاتب زبان‌شناسی) و همچنین کتاب‌های متعددی به زبان فارسی با فصول و محتوایی مفصل‌تر در این باره نوشته شده (مانند: دبیرمقدم (۱۳۸۳)، میرعمادی (۱۳۷۶)) و البته کتاب‌ها و مقاله‌های متعدد به زبان انگلیسی که جملگی در دسترس هستند، علت ملحوظ نمودن این بحث در کتابی با نام اصول دستور زبان بر نگارنده روشن نیست؛ به‌ویژه آنکه هنوز مطالب متعددی از اصول و مبانی نظری و عملی دستور زبان، در حوزه‌های صرف و نحو، وجود دارد که امید است در بازنگری‌های این کتاب ارزشمند مد نظر قرار گیرد. جای کتاب اصول دستور زبان در میان منابع فارسی زبان‌شناسی خالی بود. کوشش مؤلف را برای برطرف کردن این کمبود ارج می‌نهم.

منابع

- ابومحبوب، احمد (۱۳۸۱)، ساخت زبان فارسی، میترا، تهران؛
 حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۲)، زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، آگه، تهران؛
 دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۴)، «فعل مرکب در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۲، ش ۱ و ۲، ص ۴۶-۲
 (تاریخ انتشار ۱۳۷۶)؛

- (۱۳۸۳)، زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی، سمت، تهران؛
درزی، علی. (۱۳۸۴)، شیوه استبدال نحوی، سمت، تهران؛
صادقی، علی‌اشرف و غلامرضا ارزنگی (۱۳۵۶)، دستور، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، تهران؛
عاصی، مصطفی و محمد عبدعلی (۱۳۷۵)، واژگان گزیده زبان‌شناسی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران؛
غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۰)، ساخت زبان فارسی، احیاء کتاب، تهران؛
ماهوریان، شهرزاد (۱۳۸۳)، دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمایی، نشر مرکز، تهران؛
میرعمادی، سیدعلی (۱۳۷۶)، نحو زبان فارسی: بز پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، سمت، تهران؛
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۴)، دستور زبان فارسی، توس، تهران؛
Croft, W. (1990), *Typology and Universals*, Cambridge, Cambridge University Press;
Givón, T. (1984), *Syntax: A Functional Typological Introduction*, vol. I, J.b. Publishing Company;
Hopper p. and S. Thompson (1980), "Transitivity in Grammar and Discourse", *Language* 56: 251-300;
Matthews, P.H (1997), *The Concise Oxford Dictionary of Linguistics*, Oxford University Press;
Palmer, F. (1984), *Grammar*, 2nd ed., Penguin Books;
— (1994), *Grammatical Roles and Relations*, Cambridge, Cambridge University Press;
Payne, T. (2006), *Exploring Language Structure*, Cambridge, Cambridge University Press;
Perlmutter, D. (ed.) (1983), *Studies in Relational Grammar*, vol. 1, The University of Chicago Press;
Saeed, J. I. (1997), *Semantics*, Blackwell;
Tallerman, M. (1998), *Understanding Syntax*, Arnold Publishers.